

رابطه‌ی باورهای اساسی و بهزیستی ذهنی: نقش واسطه‌ای هویت اخلاقی در اواخر نوجوانی و ظهور بزرگ‌سالی

سوده دواپی*
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی،
دانشگاه تهران
الهه حجازی
دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران
زهرا نقش
استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای هویت اخلاقی در رابطه‌ی میان باورهای اساسی و بهزیستی ذهنی است. روش: به همین منظور، ۴۹۵ دانشجوی دختر و پسر دوره‌ی کارشناسی با میانگین سنی ۲۱ (اواخر نوجوانی و ظهور بزرگ‌سالی) از دانشگاه‌های شهر تهران به روش تصادفی انتخاب شدند و به سیاهه‌ی باورهای اساسی (BBI)، مقیاس بهزیستی ذهنی (شامل مقیاس رضایت از زندگی و مقیاس‌های عاطفه‌ی مثبت و عاطفه‌ی منفی) و مقیاس هویت اخلاقی (MIQ) پاسخ دادند. یافته‌ها: یافته‌های تحلیل مسیر نشان داد که برازش مدل مورد نظر مناسب است. همچنین ضرایب مسیر حکایت از تأثیر غیرمستقیم باور به دنیای معنادار و دنیای نیک‌نهاد با واسطه‌ی عامل یک‌پارچگی اخلاقی از هویت اخلاقی (از میان باورهای اساسی) بر بهزیستی ذهنی دارد. همچنین نتایج پژوهش، فقدان نقش واسطه‌ای مؤلفه‌های هویت اخلاقی را در رابطه‌ی میان باور به حمایت دیگران، خود-مطلوب و روابط مطلوب با بهزیستی ذهنی نشان می‌دهد. نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که هویت اخلاقی می‌تواند میان برخی روابط باورهای اساسی و بهزیستی ذهنی نقش واسطه داشته باشد. واژه‌های کلیدی: باورهای اساسی، هویت اخلاقی، بهزیستی ذهنی، اواخر نوجوانی و ظهور بزرگ‌سالی

*نشانی تماس: دانشکده روان‌شناسی و
علوم تربیتی، دانشگاه تهران
رایانامه: davaeesoodeh@yahoo.com

The Relationship Between Basic Beliefs and Subjective Well-being: The Mediating Role of Moral Identity in Late teens and Emerging Adulthood

Introduction: The purpose of this study was to investigate mediating role of moral identity in the relationship between basic beliefs and subjective well-being. **Method:** For this purpose, 495 university students in Tehran with an average age of 21 (269 girls and 226 boys) in their late adolescence and emerging adulthood, were selected through random sampling method. They were asked to respond to the Basic Beliefs Inventory (BBI), Subjective Well-Being (SWB) (the Satisfaction with Life Scale and the Positive and Negative Affection Scales inventories), and Moral Identity Questionnaire (MIQ). **Results:** Path analysis showed that fitness of the model was appropriate. The path coefficients also indicate the indirect effect of belief in a meaningful world and the world of goodness with the mediating factor of moral integrity of moral identity (among the basic beliefs) on subjective well-being. Also, the results of the research show the lack of mediating role of the components of moral identity in the relationship between belief in others' support, self-desirability and favorable relationships with subjective well-being. **Conclusion:** It seems that moral identity can play a role among some relationships between fundamental beliefs and subjective well-being in late adolescence.

Keywords: Basic beliefs, Moral Identity, Subjective Well-being, Late Adolescence, Emerging adulthood.

Soodeh Davae*

The MA of Educational Psychology, Tehran University

Elahe Hejazi

Associate Professor of Educational Psychology, University of Tehran

Zahra Naghsh

Assistant Professor of Educational Psychology, University of Tehran

*Corresponding Author:

Email: davaeesoodeh@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری اشکال مختلف هویت^۱، یکی از مسؤلیت‌های مهم روان‌شناختی فرد در اواخر دوره نوجوانی است که سبب ارتقای سطح بهداشت روانی او در مسیر زندگی‌اش می‌شود (۱). از این رو پرداختن به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و نیز پیامدهای ناشی از آن همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده و تحقیقات متعددی را به خود اختصاص داده است. اریکسون «هویت» را به معنای «دارا بودن تعریفی از خود» دانسته و نوجوانی را دوره‌ی «کسب هویت» می‌داند (۲). مک آدامز نیز هویت را شرحی از زندگی فرد می‌داند که آغاز شکل‌گیری آن اواخر نوجوانی است (۳). اگرچه بر اساس نظریه‌ی آرنست این دوران را باید مجزا از دوره‌ی نوجوانی در نظر گرفت و آن را با نام ظهور بزرگسالی^۲ نامگذاری کرد، اما با این حال تغییری در نقش سازنده این دوران در شکل‌گیری هویت فردی ایجاد نمی‌شود (۴).

بر اساس تحقیقات، اواخر دوره‌ی نوجوانی زمانی طلایی برای تحول «هویت اخلاقی»^۳ و رفتارهای جامعه‌پسند محسوب می‌شود (۵). هویت اخلاقی نوعی از هویت است که حول جنبه‌ی اخلاقی «تعریف از خود» قرار دارد و در زمینه‌ی اخلاق الزامات باثباتی را برای فرد فراهم می‌آورد (۶). مفهوم هویت اخلاقی سازه‌ای است که می‌توان آن را در قالب رویکردهای متفاوتی بررسی کرد (۶). اولین رویکرد مورد بررسی در این پژوهش، رویکرد بلاسی (۷) و رویکرد متأخر، رویکرد شناختی-اجتماعی آکوئینو و رید (۸) است که اساس نظری این سازه را در پژوهش حاضر شکل می‌دهد.

بلاسی (۷) با انتقاد از نظریه‌ی کلبیرگ (۹)، که میان عمل اخلاقی و قضاوت اخلاقی تمایز قائل نبود، به معرفی عامل دیگری به نام «الگوی خود»^۴ در رابطه میان قضاوت اخلاقی و عمل اخلاقی پرداخت. در الگوی او (۷)، التزام اخلاقی، اولاً اشاره به تشخیص کار درست اخلاقی (مسئولیت اخلاقی)^۵ و سپس تصمیم به عمل براساس آن دارد. این تصمیمات، وابسته به انگیزه‌هایی هستند که از «تعریف فرد از خود» نشأت می‌گیرد.

بنابراین، بلاسی (۷)، «هماهنگی با خویش»^۶ را به عنوان یک نیروی انگیزشی برای رفتار اخلاقی در نظر می‌گیرد؛ به این معنا که وقتی هویت فرد حول محور اخلاق شکل می‌گیرد، میل رفتاری او در زندگی بر احساسش از «خود» منطبق بوده و این تطابق، همچون راهنمای فعالیت‌های اخلاقی عمل می‌کند. بلاسی (۷) همچنین، به معرفی مفهوم «یک‌پارچگی اخلاقی»^۷ پرداخت و گفت که یک‌پارچگی اخلاقی به مسؤلیت اخلاقی فرد اشاره داشته و از الزامات درونی او برای انجام عمل اخلاقی نشأت می‌گیرد.

پس از چندی، آکوئینو و رید (۸)، الگوی «خود» بلاسی را در چارچوب رویکرد شناختی-اجتماعی بسط دادند. در این رویکرد، فرض این است که چون فرد در پردازش اطلاعات خویش دارای برخی محدودیت‌های شناختی است، به ایجاد برخی طرح‌واره‌ها^۸ می‌پردازد تا از این طریق پردازش اطلاعات را تسهیل کرده و به تبع آن رفتارهای مناسب با موقعیت‌های مختلف ارائه دهد (۸). این طرح‌واره‌ها، به همان میزان که از طریق عوامل فردی فعال می‌شوند، از عوامل موقعیتی نیز تأثیر می‌پذیرند (۱۰). بر اساس رویکرد شناختی-اجتماعی، که بر مفهوم طرح‌واره‌ها تأکید می‌کند، هویت اخلاقی، شامل مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های مرتبط اخلاقی است که برای پردازش اطلاعات اجتماعی به آسانی در دسترس اند (۸). بنابراین، ایده‌آل‌ها و ویژگی‌های اخلاقی اساسی که در تعریف فرد از هویت خویش ضروری می‌نمایند، در حقیقت شبکه‌ای از طرح‌واره‌های اخلاقی اند که مدام در دسترس پردازش قرار می‌گیرند (۱۰-۱۲، ۶).

مفهوم هویت اخلاقی آکوئینو و رید (۸)، به عنوان یک طرح‌واره‌ی همیشه در دسترس، دو بعد دارد. یک بعد آن مربوط به تجارب خصوصی فرد از هویت اخلاقی است که «درونی‌سازی»^۹ نامیده می‌شود. جنبه‌ی خصوصی،

1- Identity Development	6- Self-Consistency
2- Emerging adulthood	7- Moral Integrity
3- Moral identity	8- Schemas
4- Self-Model	9- Internalization
5- Moral Responsibility	

واقعیت^۴ می‌داند. براساس این دیدگاه، افراد در جریان تجارب دنیای واقعی به طور خودکار یک نظریه‌ی ضمنی شکل می‌دهند که شامل نظریه‌ای درباره‌ی خود، روابط با دیگران، دنیا و همچنین گزاره‌هایی است که این نظریه‌ها را به هم مربوط می‌سازند. نظریه‌ی ضمنی درباره‌ی واقعیت به شکل سلسله مراتبی از طرح‌واره‌هاست که پایه‌ای‌ترین سطح آن شامل مفروضه‌های^۵ شکل‌دهنده‌ی «باورهای اساسی»^۶ می‌شود. این مفروضه‌ها عبارت‌اند از:

۱. میزانی که فرد دنیا را معنادار می‌داند. ۲. میزانی که فرد دنیا را «نیک‌نهاد»^۷ می‌داند. ۳. میزانی که فرد دیگران را حمایت‌گر و قابل اعتماد می‌داند. ۴. میزانی که فرد خود را ارزشمند می‌داند (۱۸). باوجود تأکید نظری بر باورهای اساسی، به عنوان یک سازه‌ی شناختی بنیادین و تأثیرگذار، پژوهشگران اغلب نقش مهم آن را در پیامدهای مختلف روان‌شناختی نادیده گرفته‌اند.

از سویی بر اساس یافته‌های پژوهشی، تعهدات اخلاقی مرتبط با رفتارهایی است که سبب ایجاد رضایت از زندگی (چه در وجوه کلی و چه در برخی حوزه‌های آن) می‌شود (۱۹). در دهه‌های اخیر، که توجه وافر محققان به یافتن پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از زندگی و شادمانی بشر متمرکز شده، در مورد سازه‌ی «بهزیستی ذهنی»^۸ پژوهش‌های خاص شده است. سازه‌ی بهزیستی ذهنی، که یکی از سازه‌های مطرح در رویکرد روان‌شناسی مثبت است ارزیابی فرد از زندگی خویش تعریف شده و به وسیله‌ی دو مؤلفه‌ی تفکیک‌پذیر قابل ارزیابی است: اول، رضایت از زندگی (ارزیابی شناختی از زندگی شخصی) و دوم، برقراری تعادل میان هیجانان مثبت و منفی در ارزیابی‌های هیجانی فرد (۲۰). گالینها و پیس ریبیو (۲۱) نیز بهزیستی ذهنی را حاصل ارزیابی‌های شناختی و عاطفی فرد از زندگی خویش دانسته‌اند. تحقیقات حوزه‌ی بهزیستی ذهنی رویکردهای مختلفی

عبارت است از بازنمایی شناختی از خودِ اخلاقی که به میزان اهمیت ویژگی‌های اخلاقی مفهوم خود اشاره دارد. بعد دیگر آن مربوط به تظاهرات بیرونی هويت اخلاقی و عبارت است از طرحی نمادین که تحت نام «نمادی‌سازی»^۱ عملی شده است (۱۳). آکوئینو و رید (۸) بر این اساس مقیاسی برای سنجش هويت اخلاقی تهیه کردند که هردو بعد «درونی‌سازی» و «نمادی‌سازی» از هويت اخلاقی را ارزیابی می‌کند و بر پایه‌ی این مقیاس پژوهش‌های فراوانی شکل گرفته است. اما اخیراً بلاک و رینولدز (۱۴) برای سنجش هويت اخلاقی، روایی و اعتبار مقیاسی جدید را بررسی کردند. این مقیاس، با اقتباس از آرای بلاسی (۷)، دو مؤلفه‌ی هويت اخلاقی یعنی یک پارچگی اخلاقی و خودِ اخلاقی^۲ را ارزیابی می‌کند. این دو مؤلفه برگرفته از یک الگوی شناختی هستند که براساس الگوهای رایج اخلاقی فرد درستی و یا نادرستی کاری را ارزیابی می‌کنند. فرض آنها این است که افراد در مورد قضاوت و عمل اخلاقی و همچنین درجه‌ای از کنترل آنها دارای برخی خودآگاهی‌ها (فراشناخت) هستند (۱۴).

بر پایه‌ی بسیاری از تحقیقات مربوط به هويت اخلاقی، شکل‌گیری هويت اخلاقی، نتیجه‌ی ادغام تحول اخلاقی و تحول هويت فرد است (۱۵) و راه‌های تحولی هر یک از این دو، چنان با یکدیگر هم‌خوانی دارد که برخی، کسب هويت اخلاقی را هدفی برای تحول هويت و اخلاق در نظر گرفته‌اند (۷). از این رو، هرآنچه در شکل‌گیری هويت تأثیرگذار باشد، می‌تواند تأثیر بسزایی بر کسب هويت اخلاقی داشته باشد. اگر شکل‌گیری هويت حاصل وحدت باورها و ادراکات فرد از خویش باشد، اهمیت تأثیر باورها بر شکل‌گیری هويت اخلاقی هم آشکار خواهد شد (۶). باورها به عنوان ساختارهایی نسبتاً پایدار، از مهم‌ترین ویژگی‌های فردی هستند که می‌توانند بخش زیادی از احساس و اندیشه‌ی شخص را تبیین کنند (۱۶).

اپستاین (۱۷) در نظریه‌ی «خودشناختی - تجربه‌ای»^۳ (CEST)، سامانه‌ی باورها را «نظریه‌ی شخصی درباره‌ی

1- Symbolization	5- postulates
2- Moral self	6- Basic beliefs
3- Cognitive - Experiential self theory (CEST)	7- Benign
4- Personal theory of reality	8- Subjective Well-being

باورهای فرد باشد و از سویی کسب هویت اخلاقی منجر به تجربه‌ی بهزیستی ذهنی شود. در این پژوهش، با توجه به وجود رابطه بین باورهای فرد با تجربه‌ی بهزیستی ذهنی، روابط مذکور در قالب یک مدل علی بررسی و مطالعه شد.

مدل مفهومی

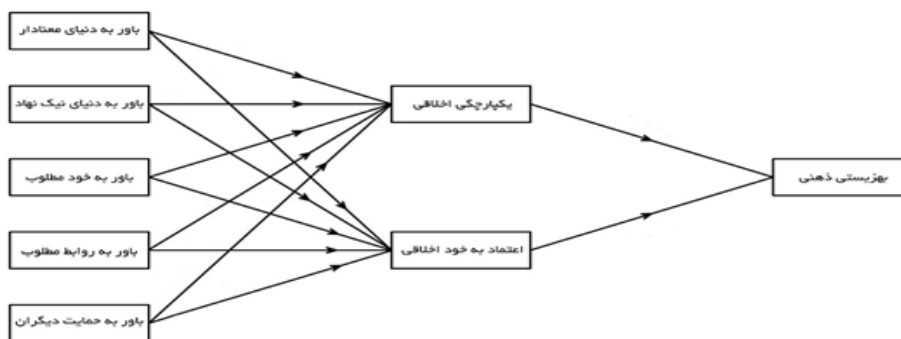
بر اساس یافته‌های پژوهشی، هر آنچه بر شکل‌گیری هویت تأثیر بگذارد، می‌تواند تأثیر بسزایی بر کسب هویت اخلاقی داشته باشد. بر اساس نظر هاردی و کارلو (۶)، اهمیت تأثیر باورها بر شکل‌گیری هویت اخلاقی زمانی آشکار می‌شود که شکل‌گیری هویت حاصل وحدت باورها و ادراکات فرد از خویش دانسته شود. از سویی، نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از ارتباط تعهدات اخلاقی با مفاهیمی چون رضایت از زندگی (به طور کلی یا در بخشی از حوزه‌های آن) است که قابلیت هم‌پوشانی با مفهوم بهزیستی ذهنی را دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهشی، فرضیه‌ی اصلی در مدل مفهومی مطالعه‌ی حاضر آن است که باورهای اساسی اواخر دوره‌ی نوجوانی افراد، به عنوان یکی از متغیرهای شناختی فردی، بر ابعاد هویت اخلاقی اثر گذاشته و غیرمستقیم بهزیستی ذهنی آنها را تبیین می‌کند.

داشته است؛ مانند رویکردهای پایین به بالا^۱ (با تأکید بر اهمیت عوامل بافتی)، رویکرد بالا به پایین^۲ (با تأکید بر اهمیت عوامل درون‌فردی) و رویکردهای ترکیبی^۳ (با تأکید بر اهمیت توأمان عوامل درون‌فردی و بافتی) (۲۱). بر اساس مطالعاتی نظیر مطالعات گالینها و پیس ریبیریو (۲۱)، دینر و ریان (۲۲) و دینر و همکاران (۲۳)، از میان پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی ذهنی، ویژگی‌های عاطفی و متغیرهای شناختی بیشترین تأثیر را بر این سازه دارند (رویکرد بالا به پایین). بر این اساس، سازه‌ی بهزیستی ذهنی را می‌توان پیامد مناسبی برای کسب هویت اخلاقی افراد و بر پایه‌ی تحقیقات، پیامد مناسبی برای برخی باورهای فردی در نظر گرفت. به عنوان مثال، آدلر و فگلی (۲۴) و استگر و فرزیر (۲۵)، با بررسی متغیرهای پیش‌بین برای بهزیستی ذهنی دریافتند که باور به معنادار بودن زندگی، می‌تواند بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی کند. دینر و دینر (۲۶) نیز به وجود رابطه‌ی معنادار بین عزت نفس (قابل هم‌پوشانی با باور به خودِ مطلوب) با بهزیستی و رضایت از زندگی پی بردند.

با توجه به آنچه بیان شد، شاید شکل‌گیری هویت اخلاقی در دوره‌ی شکل‌گیری هویت (که مربوط به اواخر نوجوانی و ظهور بزرگ‌سالی است) متأثر از

نمودار ۱- مدل پیشنهادی پژوهش



- 1- Bottom up
- 2- Top down
- 3- Integrative

روش

طرح این تحقیق از نوع طرح‌های غیرآزمایشی و به طور دقیق‌تر، همبستگی از نوع تحلیل مسیر و هدف آن بررسی رابطه‌ی میان متغیرها در قالب یک مدل علی است. در این مدل، باورهای اساسی پنج‌گانه، متغیر برون‌زا و مؤلفه‌های هویت اخلاقی (به نظر بلاک و رینولدز (۱۴)) و بهزیستی متغیر درون‌زا در نظر گرفته شده‌اند.

جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش، کلیه‌ی دانشجویان سال‌های ابتدایی ورود به دانشگاه، با میانگین سنی ۲۱ بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های شهر تهران تحصیل می‌کردند. از آنجا که هدف این پژوهش، بررسی یک مدل علی با روش تحلیل مسیر است، از میان دانشجویان ۵۰۰ نفر (۲۶۹ دختر و ۲۳۱ پسر) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پس از انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها، سیاهه‌ی «باورهای اساسی» (BBI)، پرسش‌نامه‌ی «هویت اخلاقی» (MIQ) و مقیاس «بهزیستی ذهنی» برای پاسخ‌گویی در اختیار آنها قرار گرفت.

ابزارها

الف) سیاهه‌ی باورهای اساسی (۲۷). نسخه‌ی اصلی این سیاهه ۱۰۲ گویه دارد که نسخه‌ی فارسی آن پس از رواسازی و اعتباریابی به وسیله‌ی حجازی، صادقی و شیرزادی فرد (۱۶)، به ۵۰ گویه تقلیل یافت و در نهایت چهار باور اساسی مورد سنجش نسخه‌ی اصلی به پنج باور مجزا تفکیک شد. تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ی باورها عبارت‌اند از: میزان باور به جهان نیک‌نهاد؛ جهان معنادار؛ روابط با دیگران حمایت‌کننده (در مقابل تهدیدآمیز)؛ خود به عنوان ارزشمند (شایسته، خوب و دوست‌داشتنی) در مقابل بی‌ارزش (ناشایسته، بد و دوست‌ناداشتنی) (۱۶).

از آنجا که حجازی و همکاران (۱۶)، برای تعیین روایی از دانش‌آموزان استفاده کردند، برای شناسایی و تأیید عوامل اندازه‌گیری این سازه در میان دانشجویان، تحلیل عاملی به کار رفت. برای این منظور، گروه نمونه به دو قسمت تقسیم شد تا شرایط اجرای تحلیل عاملی

اکتشافی^۱ و تأییدی^۲ فراهم شود. داده‌های گروه اول، برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی و داده‌های گروه دوم برای اجرای تحلیل عاملی تأییدی به کار رفت. پیش از اجرای تحلیل عاملی، پیش‌فرض فقدان رابطه‌ی هم‌خطی چندگانه‌ی^۳ عوامل بررسی شد. تحلیل‌های مربوط به کفایت نمونه‌برداری^۴ ($KMO = 0/92$) و اعتبار ماتریس همبستگی (آزمون کرویت بارتلت = $10685/77$) نشان‌دهنده‌ی توجیه‌پذیری اجرای تحلیل عاملی و قابلیت اطمینان ساختار عاملی به دست آمده است. برای تعیین تعداد و محتوای عوامل سیاهه‌ی باورهای اساسی به ارزش‌های ویژه^۵، به درصد واریانس تبیین‌شده و نمودار سنگ‌ریزه‌ای^۶ عوامل توجه شد. پس از حذف ۱۶ گویه‌ی مبهم و استفاده از روش چرخش واریماکس^۷، ساختار پنج عاملی پرسش‌نامه به دست آمد. محاسبه‌ی ارزش‌های ویژه و درصد واریانس تبیین‌شده به وسیله‌ی هر عامل، مشخص کرد که پنج عامل به طور تراکمی ۴۹/۰۲ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. سپس ساختار عاملی کشف‌شده، از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۸ و با روش تحلیل عاملی تأییدی آزمون شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی، که با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۹ به دست آمد، برازش خوب مدل را نشان می‌دهد (جدول ۱).

1- Exploratory	5- Eigenvalues
2- Confirmatory	6- Scree Plot
3- Multicollinearity	7- Varimax
4- Kaiser-Meyer-Olkin measure Of Sampling adequacy	8- Principal Components Analysis
	9- Lisrel

جدول ۱- شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری باورها

مجدور کای	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	ریشه‌ی دوم واریانس خطای تقریب	شاخص نیکویی برازش	شاخص تعدیل یافته‌ی نیکویی برازش
۱۷۶۱/۳۶	۵۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۹۶	۰/۹۴

اوقات احساس می‌کنم که بزودی اتفاق خیلی بدی برایم خواهد افتاد.»؛ «دنیای عادل»: «احساس می‌کنم که زندگی یک معامله‌ی ناجوانمردانه است.»
- باور به حمایت دیگران (چهار گویه): «هنگام نیاز می‌توانم روی خانواده یا دوستانم حساب کنم.»
پاسخ‌های این سیاهه در پیوستار پنج درجه‌ای لیکرتی از کاملاً موافق (پنج) تا کاملاً مخالف (یک) نمره‌گذاری شده است. اعتبار این ابزار به وسیله‌ی محاسبه‌ی آلفای کرونباخ نیز آزمون شد و نتایج زیر به دست آمد (جدول ۲).

بنابر آنچه گفته شد، ساختار پرسش‌نامه‌ی مورد استفاده، از پنج عامل زیر تشکیل شده است:
- باور به دنیای معنادار (نه گویه): «من در زندگی اهداف روشن و جذابی دارم.»
- باور به روابط مطلوب (هفت گویه): «ارتباط برقرار کردن با دیگران برایم سخت است.»
- باور به خودم‌مطلوب (شش گویه): «اغلب فکر می‌کنم که نقاط ضعفم بیشتر از نقاط قوتم است.»
- باور به دنیای نیک‌نهاد (هشت گویه) با زیرمقیاس‌های دنیای پیش‌بینی‌پذیر: «اغلب احساس می‌کنم که زندگی بی‌ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیر است.»؛ «خوش‌بینی»: «گاهی

جدول ۲- نتایج ضرایب آلفای کرونباخ برای عوامل سیاهه‌ی باورهای اساسی

باور به دنیای معنادار	باور به روابط مطلوب	باور به خودم‌مطلوب	باور به دنیای نیک‌نهاد	باور به حمایت دیگران
۱۷۶۱/۳۶	۰/۸۸	۰/۷۸	۰/۸۲	۰/۷۷

عواطف مثبت (مانند فوق‌العاده شاد، راضی، سرزنده و...) و عواطف منفی (مانند عصبی، ناآرام و بیقرار، ناامید و...) هرکدام شامل شش مورد می‌شود. در ایران، شکر، کدیور و دانش‌ورپور (۳۰) برای سنجش بهزیستی ذهنی از این مقیاس‌ها استفاده و اعتبار و روایی آن را گزارش کرده‌اند.
در پژوهش حاضر نیز برای تعیین روایی سازه‌ی این مقیاس در میان دانشجویان، از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب الگوی به دست آمده با داده‌های مشاهده شده است (جدول ۳).

ب) مقیاس بهزیستی ذهنی: بهزیستی ذهنی با استفاده از دو مقیاس رضایت از زندگی (۲۸) و عواطف مثبت و منفی (۲۹) سنجیده شده است. مقیاس رضایت از زندگی برگرفته از مقیاس مرجع «خود» کانتریل (۲۸) است که از پاسخ‌دهندگان می‌خواهد زندگی کلی این روزهای خود را رتبه‌بندی کنند. این مقیاس به صورت پیوستاری از بدترین شرایط (صفر) تا بهترین شرایط (۱۰) نمره‌گذاری می‌شود. مقیاس‌های عواطف مثبت و عواطف منفی (۲۹) از شرکت‌کنندگان می‌خواهد میزان تجربه‌ی هیجان‌های مثبت و منفی را در ۳۰ روز گذشته گزارش کنند.

جدول ۳- شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری بهزیستی ذهنی

مجدور کای	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	ریشه‌ی دوم واریانس خطای تقریب	شاخص نیکویی برازش	شاخص تعدیل یافته‌ی نیکویی برازش
۱۴۷/۸۷	۶۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۹۶	۰/۹۴

1- Positive and Negative Affect Scale

گويه‌های مقیاس عاطفه‌ی منفی به طور معکوس کدگذاری و بهزیستی ذهنی کلی براساس نمره‌ی رضایت از زندگی و مجموع عواطف مثبت و منفی محاسبه شده است. همچنین ضریب قابلیت اعتماد این پرسش‌نامه با روش الفای کرونباخ محاسبه شد و ۰/۸۷ به دست آمد. **ج) مقیاس هویت اخلاقی:** پرسش‌نامه‌ی هویت اخلاقی بلاک و رینولدز (۱۴) دو زیرمقیاس «یک پارچگی اخلاقی» و «خوداخلاقی» را ارزیابی می‌کند. روایی و اعتبار این پرسش‌نامه، سنجیده، ارزیابی و با پرسش‌نامه‌های رایج مقایسه شد. نسخه‌ی اصلی این پرسش‌نامه شامل ۲۰ سؤال است که پاسخ گویه‌های آن روی پیوستار پنج لیکرتی از «به شدت موافقم» تا «به شدت مخالفم» نمره‌گذاری شده است. نمرات بیشتر جایگاه بالاتر ارزش‌های اخلاقی و یک پارچگی اخلاقی فرد را نشان می‌دهد.

برای بررسی روایی نسخه‌ی فارسی این پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد و برای تعیین تعداد و محتوای عوامل پرسش‌نامه‌ی هویت اخلاقی ارزش‌های ویژه، درصد واریانس تبیین شده و نمودار سنگریزه‌ای عوامل مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس پس از انجام مراحل تفصیلی و حذف سه گویه‌ی مبهم و استفاده از روش‌های چرخش واریماکس، ساختار دو عاملی پرسش‌نامه به دست آمد که عبارت‌اند از عوامل «اعتماد به خود اخلاقی» (هشت گویه) و «یک پارچگی اخلاقی» (نُه گویه). این دو عامل به طور تراکمی

۳۵/۷۲۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. عامل «اعتماد به خود اخلاقی» به ارزیابی «هماهنگی میان قصد و عمل» و «میزان اهمیتی که افراد به عمل به قوانین اخلاقی می‌دهند» و «تعریف هویت خویش براساس آن» می‌پردازد. نمونه‌ی این زیرمقیاس‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «زمانی که ذهنم در مورد اینکه درست‌ترین کار برای انجام دادن چیست، شکل می‌گیرد، مطمئن می‌شوم که آن کار را انجام خواهم داد» و «من می‌خواهم مردم بدانند که می‌توانند به من اعتماد کنند». دومین عامل یعنی یک پارچگی اخلاقی، به ارزیابی «یگانگی عمل اخلاقی در تنهایی و جمع» و «ترجیح منفعت خویش بر عمل اخلاقی» می‌پردازد. نمونه‌های این زیرمقیاس‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «دلیلی ندارد از مسیرم منحرف شوم و به انجام کار خوب بپردازم. وقتی کسی نیست که آن کار را تأیید کند» و «دروغ‌گویی و تقلب تنها کارهایی هستند که تو باید در این دنیا انجام دهی».

تحلیل‌های مربوط به کفایت نمونه‌برداری (۰/۸۸۲ = KMO) و اعتبار ماتریس همبستگی (آزمون کرویت بارتلت = ۲۲۰۴۷/۷۳۴)، نشان‌دهنده‌ی قابلیت توجیه اجرای تحلیل عاملی و قابلیت اطمینان ساختار عاملی به دست آمده است. دو عامل به طور تراکمی ۳۵/۷۲۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند و مقادیر حاصل از تحلیل عاملی، برازش مناسب الگوی به دست آمده با داده‌های مشاهده شده را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴- شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری هویت اخلاقی

مجدور کای	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	ریشه‌ی دوم واریانس خطای تقریب	شاخص نیکویی برازش	شاخص تعدیل یافته‌ی نیکویی برازش
۳۴۴/۵۱	۱۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴	۰/۹۷	۰/۹۵

اعتبار این ابزار به وسیله‌ی محاسبه‌ی آلفای کرونباخ نیز آزمون شد و نتایج زیر به دست آمد (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج ضرایب آلفای کرونباخ برای عوامل پرسش‌نامه‌ی هویت اخلاقی

عامل اعتماد به خود اخلاقی	عامل یک پارچگی اخلاقی
۰/۷۸	۰/۷۹

یافته‌ها

در جدول ۶، شاخص‌های توصیفی کل نمونه بررسی توزیع پراکندگی داده‌ها در هر متغیر نرمال است. شده است. دو آماره‌ی کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که

جدول ۶- شاخص‌های توصیفی کل نمونه

متغیرها	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
باور به دنیای معنادار	۹	۴۵	۳۳/۹۳	۶/۷۹	-۰/۷۲	۰/۴۷
باور به روابط مطلوب	۷	۳۵	۲۴/۹۶	۴/۹۵	-۰/۰۴	۰/۲۳
باور به خودِ مطلوب	۹	۳۰	۲۳/۱۴	۳/۷۵	۰/۳۵	۰/۴۴
باور به دنیای نیک‌نهاد	۸	۴۰	۲۳/۶۱	۶/۳	۰/۱	۰/۰۳
باور به حمایت دیگران	۴	۲۰	۱۴/۵۹	۳/۳۱	-۰/۶۸	۰/۳۵
یک پارچگی اخلاقی	۱۳	۴۵	۳۴/۰۹	۵/۵۵	-۰/۵	۰/۵۱
اعتماد به خودِ اخلاقی	۱۰	۴۰	۳۲/۹	۴/۶۲	-۱/۱۷	۲/۸
بهزیستی ذهنی	۱۸	۷۰	۴۹/۱	۹/۰۵	-۰/۵۴	۰/۳۹

از آنجا که مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌ها ماتریس همبستگی است، ماتریس همبستگی متغیرهای تحت بررسی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- ضرایب همبستگی متغیرهای مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
باور به دنیای معنادار	۱							
باور به روابط مطلوب	**۰/۲۶	۱						
باور به خودِ مطلوب	**۰/۴۲	**۰/۴۴	۱					
باور به دنیای نیک‌نهاد	**۰/۳۹	**۰/۲۴	**۰/۳۱	۱				
باور به حمایت دیگران	**۰/۲۶	**۰/۳۲	**۰/۲۴	**۰/۱۹	۱			
یک پارچگی اخلاقی	**۰/۲۸	**۰/۰۹	**۰/۱۵	**۰/۲۸	**۰/۱	۱		
اعتماد به خودِ اخلاقی	**۰/۲۳	**۰/۲۱	**۰/۲۳	**۰/۰۹	**۰/۰۹	**۰/۴۳	۱	
بهزیستی ذهنی	**۰/۵۱	**۰/۴۳	**۰/۴۲	**۰/۵۷	**۰/۴۱	**۰/۲	**۰/۱۲	۱

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

واریانس تبیین‌شده‌ی متغیرهای پژوهش است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از میان باورهای اساسی، باور به دنیای معنادار (۰/۱۷)، خودِ مطلوب (۰/۱۳) و روابط مطلوب (۰/۱۱) به ترتیب دارای بیشترین اثر مستقیم و دو عامل باور به دنیای نیک‌نهاد (۰/۰۶-) و حمایت دیگران (۰/۰۱-) فاقد اثر مستقیم بر عامل اعتماد به خودِ اخلاقی هستند.

با توجه به جدول ۷، تمامی روابط موجود میان متغیرهای مطالعه، مثبت و معنادار و بیشترین همبستگی مربوط به رابطه‌ی باور به دنیای نیک‌نهاد با بهزیستی ذهنی (r=۰/۵۷) است و بعد از آن به ترتیب باور به دنیای معنادار، روابط مطلوب، خودِ مطلوب، حمایت دیگران، یک پارچگی اخلاقی و اعتماد به خودِ اخلاقی، بیشترین میزان همبستگی را با بهزیستی ذهنی دارند. جدول ۸، نشان‌دهنده‌ی آثار مستقیم، غیرمستقیم، کل و

جدول ۸- ضرایب استاندارد شده‌ی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل^۱

مسیرها	آثار مستقیم	آثار غیرمستقیم	آثار کل	واریانس تبیین - شده (به درصد)
بر بهزیستی ذهنی:				
از یک پارچگی اخلاقی	۰/۱۸	-	۰/۱۸	۴
از اعتماد به خود اخلاقی	۰/۰۵	-	۰/۰۵	
از باور به دنیای معنادار	-	۰/۰۴	۰/۰۴	
از باور به دنیای نیک‌نهاد	-	۰/۰۳	۰/۰۳	
از باور به روابط مطلوب	-	۰	۰	
از باور به خود مطلوب	-	۰/۰۱	۰/۰۱	
از باور به حمایت دیگران	-	۰	۰	
بر یک پارچگی اخلاقی از:				
باور به دنیای معنادار	۰/۲	-	۰/۲	۱۱
باور به دنیای نیک‌نهاد	۰/۲	-	۰/۲	
باور به روابط مطلوب	-۰/۰۲	-	-۰/۰۲	
باور به خود مطلوب	۰/۰۲	-	۰/۰۲	
باور به حمایت دیگران	۰/۰۱	-	۰/۰۱	
بر اعتماد به خود اخلاقی:				
باور به دنیای معنادار	۰/۱۷	-	۰/۱۷	۹
باور به دنیای نیک‌نهاد	-۰/۰۶	-	-۰/۰۶	
باور به روابط مطلوب	۰/۱۱	-	۰/۱۱	
باور به خود مطلوب	۰/۱۳	-	۰/۱۳	
باور به حمایت دیگران	-۰/۰۱	-	-۰/۰۱	

یک پارچگی اخلاقی (۰/۱۸) بر بهزیستی ذهنی تأثیر مستقیم داشته و عامل اعتماد به خود اخلاقی (۰/۰۵) بر بهزیستی ذهنی تأثیر مستقیم ندارد. بررسی تأثیرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم باور به دنیای معنادار بر بهزیستی ذهنی (t=۲/۹۸) و اثر غیرمستقیم باور به دنیای نیک‌نهاد بر بهزیستی ذهنی (t=۲/۵۸) در سطح ۰/۰۱ معنادار است، اما اثر غیرمستقیم سه متغیر باور به حمایت دیگران (t=۰/۲۱)، باور به روابط مطلوب (t=۰/۱۶) و خود مطلوب بر بهزیستی ذهنی (t=۰/۸۱) معنادار نیست. بررسی آثار غیرمستقیم معنادار مشخص کرد که

همان طور که ملاحظه می‌شود، از میان باورهای اساسی، باور به دنیای معنادار (۰/۱۷)، خود مطلوب (۰/۱۳) و روابط مطلوب (۰/۱۱) به ترتیب دارای بیشترین اثر مستقیم و دو عامل باور به دنیای نیک‌نهاد (-۰/۰۶) و حمایت دیگران (-۰/۰۱) فاقد اثر مستقیم بر عامل اعتماد به خود اخلاقی هستند.

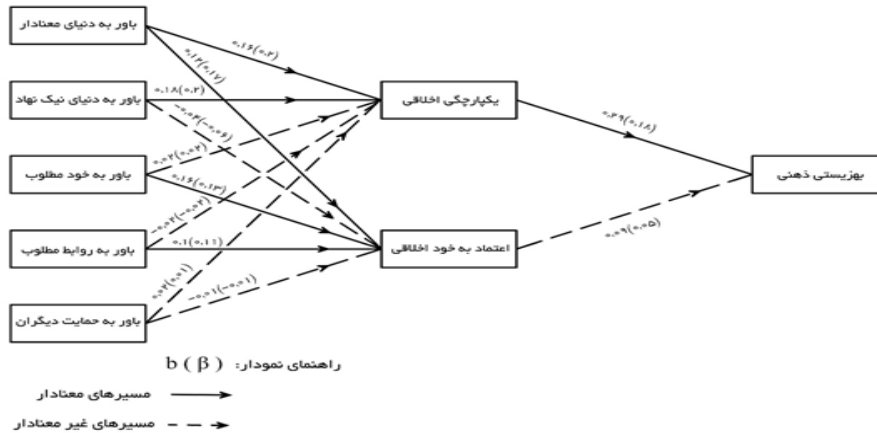
همچنین بر اساس جدول ۸، از میان باورهای اساسی، فقط باور به دنیای نیک‌نهاد (۰/۲) و باور به دنیای معنادار (۰/۲) بر عامل یک پارچگی اخلاقی اثر مستقیم داشته و سه عامل باور به روابط مطلوب (-۰/۰۲)، خود مطلوب (۰/۰۲) و باور به حمایت دیگران (۰/۰۱) بر دو عامل تأثیر مستقیم ندارند. همچنین بررسی آثار مستقیم نشان می‌دهد که از میان ابعاد هویت اخلاقی فقط عامل

۱- ضرایب مسیر به صورت استاندارد شده (Beta) گزارش شده است.

نمودار ۲، مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه‌ی ضرایب، مسیر میان متغیرها را نشان می‌دهد. خطوط ممتد نشان‌دهنده‌ی معناداری روابط است و خطوط نقطه‌چین رابطه‌ی غیرمعنادار میان متغیرها را نشان می‌دهد.

معناداری اثر غیرمستقیم باور به دنیای معنادار و باور به دنیای نیک‌نهاد بر بهزیستی ذهنی، با واسطه‌گری عامل یک‌پارچگی اخلاقی بوده و عامل اعتماد به خود اخلاقی توانسته نقش واسطه‌گری خود را ایفا کند.

نمودار ۲- مدل تحلیل مسیر پس از محاسبه‌ی ضرایب مسیر میان متغیرها



آزادی اهمیت بیشتری دارد. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش مدل، در جدول ۷ آمده است.

پس از برآورد پارامترها، برازش مدل بررسی می‌شود. از مجموع آماره‌های برازش پنج آماره‌ی اندازه‌گیری، GFI ، $AGFI$ ، $RMSEA$ ، x^2 و نسبت χ^2 دو به درجه‌ی

جدول ۹- شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	GFI	AGFI	RMSEA	X^2	df	P
برآورد	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۳	۲۰/۸۱	۶	۰/۲۵۲۲

نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه، بررسی این مطلب است که آیا باورهای اساسی، یعنی باور به دنیای معنادار، دنیای نیک‌نهاد، مطلوب، روابط مطلوب و حمایت دیگران را می‌توان پیشایندهای ابعاد هویت اخلاقی دانست و آیا بهزیستی ذهنی می‌تواند پیامدی مناسب برای ابعاد هویت اخلاقی باشد؟ و در آخر آیا ابعاد هویت اخلاقی می‌توانند در رابطه میان باورهای اساسی و بهزیستی ذهنی در دوره‌ی شکل‌گیری هویت اخلاقی، نقش واسطه داشته باشند؟ به طور کلی یافته‌ها نشان دادند که مدل مفهومی با داده‌ها برازش مناسبی دارد؛ به نحوی که باورهای اساسی از طریق مؤلفه‌های هویت اخلاقی بر بهزیستی ذهنی اثر

در جدول ۹، شاخص مجذورکای (X^2) ۲۰/۸۱ است. محاسبه‌ی مقادیر این شاخص‌ها $AGFI = 0/96$ و $GFI = 0/99$ نشان داد که برای پذیرفته شدن مدل مورد نظر، مقدار آنها می‌بایست مساوی یا بزرگ‌تر از ۰/۹ باشند. شاخص ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب $RMSEA = 0/03$ به دست آمد که بر اساس نظر هومن (۳۱) برای مدل‌های خوب، مقدار آن می‌بایست کمتر از ۰/۰۵ باشد. از مقادیر به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل با داده‌ها مناسب است. پس چون بتای مشخصه‌ها در سطح قابل قبولی هستند و مدل با داده‌ها برازش مناسبی دارد، مدل ابتدایی ارائه شده را می‌توان پذیرفت.

داشته و ۴۰ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کنند. نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که: مؤلفه‌ی یک‌پارچگی اخلاقی (از سازه‌ی هویت اخلاقی) می‌تواند میان باور به دنیای معنادار و بهزیستی ذهنی نقش واسطه داشته باشد. همچنین میان باور به دنیای معنادار و یک‌پارچگی اخلاقی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. این رابطه‌ی مثبت و معنادار نشان می‌دهد که باور به معناداری دنیا و ایجاد هدف در زندگی می‌تواند به فرد کمک کند تا در جهت تحقق اهداف خویش، به انسجام و یک‌پارچگی اخلاقی دست یابد. برای این منظور، انجام عمل اخلاقی در حضور و یا در غیاب دیگران برای فرد یکسان است و در موقعیت‌های مختلف، حتی اگر به زیانش باشد، خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. از آنجا که باور به دنیای معنادار به معنای هدف‌مند بودن زندگی و معنابخشی به زندگی بر اساس اهداف است، این یافته را می‌توان چنین تبیین کرد که با توجه به تئوری‌های هدف که دارا بودن اهداف مهم و پیگیری فرد برای رسیدن به آنها را پیش‌بین‌های قابل اعتمادی برای بهزیستی ذهنی می‌دانند (۲۰)، یک‌پارچگی اخلاقی و عمل بر اساس اخلاق (در موقعیت‌های مختلف) در فردی که به ایجاد اهداف اخلاقی در زندگی خویش پرداخته، تجربه‌ی عواطف مثبت ناشی از حرکت به سمت هدف را برایش به ارمغان می‌آورد و علتی برای تجربه‌ی بهزیستی ذهنی وی می‌شود.

نکته‌ی قابل ذکر این است که اشلنکر، چامبرز و لی (۱۹)، در پژوهش خویش به رابطه‌ی معکوس این یافته اشاره و بیان می‌کنند که تعهدات اخلاقی و دارا بودن دستورات عمل واضح فردی برای چگونه زیستن، به فرد حس هدف‌مندی و معناداری در زندگی می‌بخشد. جمع این دو یافته، حاکی از وجود رابطه‌ی دوسویه میان این دو متغیر است و نشان می‌دهد که هم دستورات اخلاقی واضح بر زندگی معنادار و هم زندگی معنادار بر ایجاد دستورات اخلاقی و یک‌پارچگی اخلاقی حاصل از آن تأثیرگذار است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که عامل

یک‌پارچگی اخلاقی (از سازه‌ی هویت اخلاقی) می‌تواند میان باور به دنیای نیک‌نهاد و بهزیستی ذهنی نقش واسطه داشته باشد. همچنین میان باور به دنیای نیک‌نهاد و یک‌پارچگی اخلاقی رابطه‌ی مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. عامل باور به دنیای نیک‌نهاد، باور فرد به دنیای عادل، دنیای قابل پیش‌بینی و همچنین خوش‌بینی فرد را می‌سنجد. در میان باورهای اساسی، باور به دنیای عادل، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد (۳۲، ۳۳)؛ به این معنا که باور به روابط علت و معلولی در دنیا (دنیای عادل)، سبب ایجاد باور به قابل پیش‌بینی بودن دنیا و به تبع آن باور به کنترل‌پذیری آن می‌شود.

منظور از باور به روابط علت و معلولی، باور به این امر است که هرآنچه در جهان روی می‌دهد علتی دارد و به عبارتی هر معلولی به دنبال علتی اتفاق می‌افتد (۳۴). پرواضح است که وقتی چنین باوری در زمره‌ی باورهای اساسی فرد قرار می‌گیرد، وی به انجام عمل اخلاقی، در حضور و غیاب دیگران، ترغیب می‌شود. برای چنین فردی، که باور به روابط علت و معلولی در دنیا و باور به دنیای عادل سرلوحه‌ی باورهای اوست، شرایط متفاوت‌تری در عملکرد اخلاقی او ایجاد نخواهد کرد؛ زیرا اعتقاد دارد که دنیای عادل نتیجه‌ی عملش را به او بازمی‌گرداند. این انسجام و یک‌پارچگی در عمل اخلاقی، صرف‌نظر از شرایط، بر ایجاد، حفظ و بهبود یک‌پارچگی اخلاقی فرد تأثیر می‌گذارد. بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که بر اساس تئوری‌های هدف، فردی که با باور به دنیای عادل، ایجاد یک‌پارچگی اخلاقی در درون خویش را به عنوان هدف متعالی زندگی خود برگزیده، هرگاه به سمت این هدف حرکت کند و یا بر انجام آن مداومت ورزد، عواطف مثبت را در خویش ایجاد کرده و تجربه‌ی بهزیستی ذهنی را برای خویش به ارمغان آورده است.

از جمله نتایج مهم این پژوهش، مشاهده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار مؤلفه‌ی یک‌پارچگی اخلاقی با بهزیستی

بافت، حمایت خانواده و والدین پاسخ‌گو از عوامل مؤثر بر هویت اخلاقی معرفی شده‌اند، به نظر می‌رسد که شرکت‌کنندگان در این پژوهش (که در اواخر نوجوانی و ورود به بزرگسالی و تعمیم‌پذیر به جامعه‌ی بزرگ‌تری از این رده‌ی سنی‌اند)، حمایت خانواده و اطرافیان‌شان را احساس نمی‌کنند. بدیهی است که باور نداشتن به حمایت دیگران، تأثیر جدی بر شکل‌گیری ابعاد مختلف هویت آنها نخواهد گذاشت. این یافته زنگ خطر نوع روابط این گروه سنی، به ویژه با خانواده و نزدیکانشان، را به صدا در می‌آورد و انجام تحقیقات گسترده و ارائه‌ی راه‌کارهایی برای بهبود روابط را الزامی می‌سازد.

علاوه بر تأثیرات برگرفته در سطور پیشین، کشف وجود آثار مثبت و معنادار میان متغیرهای زیر از یافته‌های ارزشمند این پژوهش است:

۱. اثر مثبت و معنادار باور به دنیای معنادار بر اعتماد به خود اخلاقی: این نتیجه هم‌سو با یافته‌ی آکوئینو و رید (۸) است که هویت اخلاقی را همچون سایر وجوه هویت با باورهای اساسی و نگرش‌های فرد مرتبط می‌داند.

۲. اثر مثبت و معنادار باور به روابط مطلوب بر مؤلفه‌ی اعتماد به خود اخلاقی: حاصل تجمیع این یافته با یافته‌ی هاردی و کارلو (۶) که نشان داده‌اند محوریت اخلاق در افراد، بر چگونگی درک و پذیرش دیگران توسط آنها تأثیر می‌گذارد و نیز نتایج پژوهش اشلنکر، چمبرز و لی (۱۹) که نشان می‌دهد افرادی که سطح تعهدات اخلاقی‌شان بالاتر است، بیشتر مورد تکریم دوستان‌شان قرار می‌گیرند و بستر ایجاد روابط مطلوب برای آنها مساعدتر است، حاکی از وجود رابطه‌ای دوسویه میان یکی از مؤلفه‌های هویت اخلاقی و ایجاد روابط مطلوب است.

۳. اثر مثبت و معنادار باور به خود مطلوب بر مؤلفه‌ی اعتماد به خود اخلاقی: این یافته، هم‌سو با یافته‌های تحقیق فرایمر، اسچیفیر، اوکس (۳۸) است که بر اساس آن انطباق با استانداردهای اخلاقی، زمانی برای فرد مهم می‌شود که آگاهی فرد نسبت به خویشتن خویش

ذهنی است. این یافته، هم‌سو با پژوهش‌هایی است که نشان داده‌اند ایجاد تعهدات اخلاقی، زمینه‌ساز مثبت‌اندیشی، تسهیل کنار آمدن با مشکلات و دوری از افسردگی می‌شود (۱۹). بروکز (۳۵) نیز در پژوهش خویش دریافت که تعهدات اخلاقی با رفتارهایی مرتبط است که سبب ایجاد رضایت از زندگی (چه کلی و چه در بخشی از آن) می‌شود. هاردی، واکر، اولسن، وودبری و هیکن (۳۶) نیز دریافتند که به هر میزان که هویت فرد بر محوریت اخلاق بنا شود، فرد سطوح بالاتر بهزیستی را تجربه می‌کند.

یکی از نکات مهم و قابل توجه در یافته‌های این پژوهش، مشاهده‌ی رابطه‌ی غیرمعنادار مؤلفه‌ی «اعتماد به خود اخلاقی» با بهزیستی ذهنی است. این یافته نشان می‌دهد که آزمودنی‌های ما از اینکه هویت خویش را براساس اخلاق تعریف کنند احساس رضایت و بهزیستی ذهنی نمی‌کنند. بر پایه‌ی این یافته، عمل بر اساس اخلاق آنقدر ارزشمند نیست که موجب بهزیستی و رضایت فرد از زندگی شود. اگرچه این یافته نیاز به بررسی‌های دقیق جامعه‌شناسانه از جامعه‌ی جوانان را می‌طلبد، اما می‌توان گفت که این امکان وجود دارد که جوانان ما با مشاهده‌ی منفعت‌طلبی‌های شخصی برخی افراد مدعی اخلاق، در تعریف هویت خویش براساس اخلاق بی‌انگیزه شده و اهمیت عمل اخلاقی برای آنها کمرنگ شود. بدیهی است افرادی که در سنین شکل‌گیری هویت قرار دارند، با دیدن افرادی که با اعمال ضد اخلاقی به منافع دست می‌یابند که افراد اخلاقی از آنان بی‌بهره‌اند، تعریف هویت خویش بر اساس اخلاق را بی‌ارزش بدانند و داشتن هویت اخلاقی تأثیری بر رضایت از زندگی و در نتیجه تجربه‌ی بهزیستی ذهنی آنها نداشته باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هریک از باورهای اساسی، به جز باور به حمایت دیگران، دست‌کم بر یکی از مؤلفه‌های هویت اخلاقی تأثیر مستقیم دارد. برای توضیح این یافته‌ی غیر قابل انتظار می‌توان گفت که چون بر اساس نتایج پژوهش‌هایی نظیر پژوهش هارت و کارلو (۱۵) و هارت، اتکینز و فورد (۳۷) که در آنها،

افزایش یابد.

هویت اخلاقی با توجه به فرهنگ ایران زمین، دعوتی است شایسته. همچنین به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه مذهب بخش مهمی از باورهای اساسی مردم ایران را به خود اختصاص داده، انجام پژوهش‌هایی در زمینه‌ی باورهای مذهبی، در کنار باورهای اساسی مذکور، و نیز سنجش تأثیرگذاری آنها بر تجربه‌ی بهزیستی ذهنی و همچنین مؤلفه‌های هویت اخلاقی، یافته‌های زیبایی به بار بنشانند. همچنین انجام تحقیقاتی به منظور بررسی نحوه‌ی روابط این رده‌ی سنی با خانواده و نزدیکان، کشف انتظارات و خواسته‌های آنان از والدین و یافتن راه‌کارهای مناسب برای افزایش احساس حمایت شدن آنها، بتواند زمینه‌ساز شکل‌گیری باور به حمایت دیگران در زمره‌ی باورهای افراد در اواخر دوره‌ی نوجوانی و ظهور بزرگ‌سالی شود. پرواضح است که شکل‌گیری این باور بر ابعاد مختلف هویت فرد تأثیر می‌گذارد.

مهمترین محدودیت پژوهش حاضر را می‌توان مربوط به پرسش‌نامه‌ی ارزیابی بهزیستی ذهنی دانست. پژوهش حاضر به ارزیابی کلی بهزیستی ذهنی افراد پرداخته، در حالی که لازمه‌ی ارزیابی کلی فرد از بهزیستی ذهنی خویش (SWB)، در نظر گرفتن رضایت او در تمام جوانب زندگی است. اما از آنجا که تصمیم‌گیری در این باره دشوار است، افراد در پاسخ‌گویی به این سؤال به دنبال راه ساده‌تری می‌گردند و پاسخ‌گویی خود را مبتنی بر جایگاه عاطفی خویش در لحظه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که ارزیابی‌های محدود و مرتبط با برخی جوانب زندگی که تحت تأثیر مقایسه‌های درون‌فردی و میان‌فردی است (۲۱)، برای ارزیابی بهزیستی ذهنی افراد مناسب‌تر باشد. همچنین، استفاده‌ی هم‌زمان از چند مقیاس خودگزارشی بهزیستی ذهنی به ما در فهم مراحل آن کمک می‌کند.

از آنجا که بر اساس نظر بسیاری از محققان این حوزه، شکل‌گیری این سازه کاملاً وابسته به فرهنگ مردم سرزمین‌های مختلف است، لذا دعوت از محققان، برای آشکار ساختن تفاوت‌های ساختاری موجود در عوامل

دریافت مقاله: ۹۵/۹/۲؛ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۵

منابع

- McLean KC. Late Adolescent Identity Development: Narrative Meaning Making and Memory Telling. *Developmental Psychology* 2005;41(4):683-691.
- Erikson EH. *Insight and responsibility*. New York: Norton;1964.
- McAdams DP, The psychology of life stories. *Review of General Psychology* 2001; (5):100-122.
- Arnett JJ, Emerging Adulthood: A Theory of Development from the Late Teens Through the Twenties. *American Psychology* 2000;55(5):469-480.
- Padilla-Walker LM, Fraser AM, How Much Is It Going Cost Me? Bidirectional Relations between Adolescents Moral Personality and Prosocial Behavior. *Journal of Adolescence* 2014;37:993-1001.
- Hardy S, Carlo G. Moral identity: What is it, How Does It Develop, and Is It Link To Moral Action? *Child Development perspectives* 2011;3(5):212-218.
- Blasi A, Moral cognition and moral action: A theoretical perspective. *Developmental Review* 1983;(3):178-210.
- Aquino K, Reed A, The Self Importance of Moral Identity. *Journal of Personality and Social Psychology* 2002;83:1423-1440.
- Kohlberg L. Stages of moral development. *Moral education* 1971;86-88.
- Stets J E, Carter, M J, The Moral Self: Applying Identity Theory. *Social Psychology Quarterly* 2011;74(2):192-215.

11. Aquino K, Freeman D, Reed A, Lim V K G, Felps W, Testing a social-cognitive model of moral behavior: The interaction of situational factors and moral identity centrality. *Journal of Personality and Social Psychology* 2009;97:123-141.
12. Lapsely, D.K., Narvaes, D, A social- Cognitive Approach to the Moral personality, Moral Development. *Self and Identity* 2004;189-212.
13. Boegershausen J, Aquino k, Reed A, Moral identity. *current opinion in psychology* 2015;(6): 162-166.
14. Black JE, Reynolds W M. Development, Reliability, and Validity of the Moral Identity Questionnaire. *Personality and Individual Differences* 2016;97:120-129.
15. Hart D, Carlo, G. Moral Development in Adolescence. *Journal of Research on Adolescence* 2005;15(3):223-233.
16. Hejazi E, Sadeghi N, Shirzadi Fard M. Validity and Reliability of the Persian Version of Basic Beliefs. *Psychological Research* 2013;17(1):7-23.[Persian].
17. Epstein S, Cognitive-experiential self-theory of personality. *Comprehensive Handbook of Psychology. Personality and Social Psychology* 2003;(5):159-184.
18. Epstein S. Cognitive-experiential self-theory: An integrative theory of personality. Psychology. NJ: John Wiley & Sons. In press 1991.
19. Schlenker BR, Chambers JR, Le BM, Conservatives Are Happier than Liberals, but Why? Political Ideology, Personality, and Life Satisfaction. *Journal of Research in Personality* 2012;46:127-146.
20. Diener E, Oishi S, Lucas R E, Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction. Oxford and New York: Oxford University Press 2002.
21. Galinha I, Pais-Ribeiro JL. Cognitive, affective and contextual predictors of subjective wellbeing. *International Journal of Wellbeing* 2011;2(1): 34-53.
22. Diener E, Ryan K, Subjective well-being: a general overview. *South African Journal of Psychology* 2009;39:391-406.
23. Diener E, Suh E, Lucas R, Smith H, Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin* 1999;125: 276-302.
24. Adler M G, Fagley N S, Appreciation: Individual Differences in Finding Value and Meaning as a Unique Predictor of Subjective Well- Being. *Journal of Personality* 2005;73:79-114.
25. Steger M F, Frazier P, Meaning in Life: One Link in the Chain from Religiousness to Well- Being. *Journal of Counselling Psychology* 2005;52(4):574-582.
26. Diener E, Diener M, Cross- Cultural Correlates of Life Satisfaction and Self-Steem. *Journal of Personality and Social Psychology* 1995;68:653-663.
27. Catlin G, Epstein S. Unforgettable Experiences: The Relation of Life Events to Basic Beliefs about Self and World. *Social Cognition* 1992;10:189-209.
28. Cantrill H. *The Patern of Cuman Concerns*. New Brunswick, NJ: Rutgers University press 1965.
29. Mroczek DK, Kolarz CM. The Effect of Age on Positive and Negative Affects: A Developmental Perspective on Happiness. *Journal of Personality and Social Psychology* 1998;75:1333-1349.
30. Shokri O, Kadivar P, Daneshvar Pour Z. Gender Differences in Subjective Well-being: The Role Personality Traits, *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2007;13:20-28.[Persian].
31. Homan. H. *Structural Equation Modeling Using LISREL Software*, Tehran: Samt Press; 2009.[Persian].
32. Begue L. Beliefs in Justice and Faith in People: Just World, Religiosity and Interpersonal Trust. *Personality and Individual Differences* 2002;32:375-382.
33. Lerner MJ, Miller DT. Just world research and the attribution process: Looking back and ahead. *Psychological bulletin* 1978;85(5):1030.
34. Parkes CM. Bereavement as a psychosocial transition: Process of adaptation to change. *Journal of Social Issues* 1988;44:53-65.
35. Brooks AC, Who Really Cares: *The Surprising-Truth about Compassionate Conservatism*. New York: Perseur; 2006.
36. Hardy SA, Walker LJ, Olsen JA, Woodbury RD, Hickman JR, Moral Identity as Moral Ideal Self: Links to Adolescent Outcomes. *American Psychological Association* 2013;50(1):45-57.
37. Hart D, Atkins R, Ford D. Urban American context for the development of moral identity in adolescence. *Journal of Social Issues* 1998;54:513-53.
38. Frimer JA, Scheafer NK, Oakes H. Moral Actor. Selfish Agent *Journal of personality and social psychology* 2014;106:790-802.